

میرزااحمد کفایی خراسانی، درباره امور جاری حوزه با آن‌ها به گفت‌وگو پرداخت. از توجهات خاص شاه به ترویج مبانی دین و تعظیم شعائر مذهبی و عنایات وی نسبت به جامعه روحانیت سخن گفت^{۱۴} و خواستار همبستگی و همکاری بیش از پیش سازمان اوقاف و جامعه روحانیت شد.^{۱۵}

فرمان شاه مبنی بر تشکیل سپاه‌دین، از اول آبان ۱۳۵۰ در سراسر کشور اجرا شد. مقرر شده بود مشمولان سپاه دین، مانند دیگر افراد سپاهی، دروس نظامی را در مدت هشت هفته فراگیرند و سپس دروس تخصصی، تحقیقات دینی و ترویج احکام به آنان آموخته شود. افراد سپاه دین موظف بودند پس از چند هفته آموزش نظامی، از لباس روحانیت استفاده کنند و در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها، مدارس عالی، دفاتر ازدواج و طلاق، واحدهای ارتش و سایر سازمان‌های آموزشی، به ترویج و تدریس مسائل دینی بپردازند.

منوچهر آزمون پس از این فرمان شاه، بار دیگر در چهارم آذر به مشهد آمد و با علما و مبلغان مذهبی سخن گفت و یادآور شد به توصیه شاه لازم است همکاری نزدیکی بین سازمان اوقاف و روحانیان به وجود آید.^{۱۶}

در اواخر اسفند ۱۳۵۰، شاه طی دستوری از استاندار خراسان و تولیت آستان‌قدس خواست تا هدایایی را از سوی او میان طلبه‌ها توزیع کنند که در روز هفتم فروردین ۱۳۵۱ در تالار تشریفات صحن پهلوی بین حدود سیصد تن از طلاب تقسیم شد.^{۱۷} دو روز پس از این جریان، اعلامیه‌ای خطی مبنی بر نهی از پذیرش این هدایا در مدرسه بالاسر نصب شده بود^{۱۸} و چند روز بعد آیت‌الله واعظ‌طیسی حین درس خود در مسجد ملاهاشم، از طلاب دریافت‌کننده هدایای شاه انتقاد کرد^{۱۹}. این برنامه در فروردین ۵۶ نیز تکرار شد و آیت‌الله مروارید از طلبه‌ها خواسته بود از گرفتن هدیه شاه و پاکت پول استانداری خودداری کنند و خود ایشان، بسته‌ای با همان کیفیت و پاکتی محتوی یک‌هزارریال در اختیار طلبه‌ها گذاشتند.^{۲۰}

رژیم با بهره‌گیری تبلیغاتی از هم‌سویی برخی روحانیت با برنامه‌های خود و تصور سازش دین و دولت، در اول بهمن ۱۳۵۱ از علمای درباری و برخی طلاب که در تالار تشریفات آستان‌قدس اجتماع کرده بودند از اصول انقلاب شاه و مردم حمایت می‌کردند، تجلیل کرد.^{۲۱}

امکانات آستان‌قدس رضوی از سوی رژیم در خدمت تطمیع برخی طلاب و تحصیل‌کردگان حوزه و به انحراف کشیدن برنامه‌های اصیل حوزویان استفاده می‌شد. از اواسط شهریور

۱۳۵۲، برنامه نوسازی مدارس علوم دینی، به‌ویژه مدارس نزدیک به حرم‌مطهر از طرف آستان‌قدس تدوین و کمک‌هایی هم برای محصلین بی‌بضاعت پیش‌بینی شد^{۲۲}؛ اما عدم استقبال علما، مدرسان و طلاب، موجب توقف این برنامه شد.

تولیت آستان‌قدس در ۲۵ بهمن ۱۳۵۴ مرکز دینی، ارشادی و علمی آستان‌قدس را با حضور تعدادی از علما و روحانیون درباری و حقوق‌بگیر آستان‌قدس^{۲۳} افتتاح کرد.^{۲۴} برنامه ارشادی این مرکز که زیر نظر گروهی از گویندگان وابسته به رژیم اجرا می‌شد، علاوه بر سخنرانی، شامل تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه و پاسخ‌گویی به نیازهای دینی جوانان و پژوهشگران بود.^{۲۵}

رژیم برنامه داشت تا تمام جلسات قرآن و هیئت‌های عزاداری را تحت کنترل خود درآورد. بنابراین در ۲۳ آذر ۱۳۵۲ جلسه‌ای برای تشکیل هیئت رئیسه هیئات مذهبی خراسان در مسجد محراب‌خان تشکیل شد.^{۲۶}

در ۵ شهریور سال ۱۳۵۱، کمیسیونی مرکب از استانداران استان مرکزی و خراسان، معاون نخست‌وزیر و سرپرست اوقاف در محل آن سازمان تشکیل شد که طی بخش‌نامه‌ای خطاب به نخست‌وزیر، مبارزه عمیقی برای مسموم کردن اذهان عمومی علیه روحانیت مبارز و مبارزات امام خمینی (ره) تدارک دیده شد. در این بخش‌نامه، علاوه بر استانداران و فرمانداران کل، به مسئولان سازمان پیشاهنگی، مدیران مدارس، مدیران مطبوعات، روحانیون محلی و مراجع تقلید، به عنوان اشخاصی که باید در اجرای این سیاست همکاری کنند، اشاره شده است.

روشی‌های معارضه علمای مبارز مشهد

علمای متعهد مشهد از راه‌های گوناگونی با سیاست‌های به‌ظاهر دینی رژیم پهلوی مبارزه می‌کردند. آن‌ها در جریان زلزله خسارت‌بار جنوب خراسان در شهریور ۱۳۴۷ که بیش از شانزده هزار کشته داشت و شهرهای کاخک و فردوس را با خاک یکسان کرد، به منظور کمک به زلزله‌زدگان، گروه‌های امدادی تشکیل دادند. این گروه‌ها با تمام وسایل، دارو و دکتر در کاخک مستقر شدند، به افراد زلزله‌زده کمک می‌کردند و پوشاک، کمک‌های اولیه و مواد غذایی را در اختیار افراد می‌گذاشتند.^{۲۷}

به گزارش ساواک، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای یکی از فعالانی بود که به فردوس سفر کرد^{۲۸}. ایشان در روز ۲۸ آبان در سخنرانی خود در هیئت فاطمیه مشهد با اشاره به این فاجعه دردناک

خطاب به مردم گفت: چرا شما از حق خود دفاع نمی‌کنید؟ چرا مقامات تهران به فکر شما نیستند که خانه درست کنید و شب‌ها بچه‌ها و پیرمردها از سرما جان ندهند؟^{۲۹}

از سوی دیگر، روحانیان در مقابل برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی که برنامه‌های آن با هزینه‌های کمرشکنی اجرا می‌شد، ساکت نشستند.^{۳۰} اعلامیه امام خمینی (ره) در انتقاد تند از برگزاری این جشن‌ها در مشهد منتشر شد و در جریان جایگزینی تقویم شاهنشاهی به جای تقویم هجری^{۳۱} در اسفند ۱۳۵۴ نیز، علما مبارز مشهد به مخالفت جدی پرداختند.

در این سال‌ها علما توانستند با دانشگاه و نیازهای دانشگاهیان آشنا شوند و آن‌ها به تعامل بپردازند. ثمره این ارتباط با فهم این نکته بود که در جامعه مذهبی آمیخته با جمود و خرافات و در میان مسخ و فراموشی عالی‌ترین عناصر فرهنگی و مذهبی، آگاهی دادن و بیدار کردن و اتصال مردم به فرهنگ و تاریخ‌شان، تلاش بسیاری می‌طلبد.

علما برای عمل کردن به وظایف خود، علی‌رغم مختصات دوره اختناق شاهنشاهی و بازداشت‌ها و رونق جوخه‌های اعدام^{۳۲}، از هر نوع عملیات افراتی پرهیز کرده و به روش‌های مسالمت‌آمیز روی آوردند^{۳۳}؛ روشی که اعتماد بیشتری را برای همکاری با علما در مردم برانگیخت.

آن‌ها ضمن مبارزه بی‌وقفه با احزاب دولتی، به حمایت از حرکت‌ها و سازمان‌های خودجوش و در عین حال غیرارتجاعی روی آوردند. علما بسیاری از خانواده‌ها را متقاعد کردند که برای حفظ شئون انسانی و حریم خانواده، لازم است از احکام اسلامی پیروی کنند و از آزادی‌های لجام‌گسیخته‌ای که رژیم ترویج می‌کرد، فاصله بگیرند.

جریان شهادت علمایی چون آیت‌الله سعیدی، آمودش چهره‌های متفکری چون مطهری و بهشتی به مشهد، توسعه کتاب‌خوانی، پویایی مراکز فرهنگی، مساجد شهر^{۳۴} و دانشگاه‌ها، علی‌رغم کنترل شدید ساواک^{۳۵}، بر شمار

طرفداران امام خمینی و علمای مبارز افزود.^{۳۶} افکار و اندیشه‌های سیاسی امام (ره)، پیش و بیش از هر اندیشه دیگری به اعماق جامعه نفوذ می‌کرد. در روز دوم بهمن ۱۳۵۱ اعلامیه‌ای تحت‌عنوان «ده سال جنایت مشهد حاکمه ایران» از سوی حوزه علمیه مشهد منتشر شد. در این اعلامیه ضمن اشاره به جنایات رژیم در واقعه پانزده خرداد ۴۲ و تبعید امام و حمله به مدرسه فیضیه، به شهادت آیت‌الله سعیدی، دستگیری دانشجویان و روشن‌فکران و قرار دادهای نظامی و اقتصادی رژیم با اسرائیل نیز اشاره شده بود.^{۳۷}

کوشش‌های تبلیغی علمای مشهد که آیت‌الله خامنه‌ای، شهید هاشمی‌نژاد و آیت‌الله واعظ‌طیسی در رأس آن‌ها قرار داشتند، به مشهد و حوزه محدود نمی‌شد. آن‌ها در مناسبت‌های مختلف به شهرهای خراسان، سیستان و بلوچستان، تهران و دیگر مناطق سفر می‌کردند و یا در تبعید به اشاعه اندیشه‌های دینی و انقلابی می‌پرداختند. آنان با بیشتر چهره‌های مبارز ملی و مذهبی مشهد، قم و تهران از نزدیک آشنا بودند و از فعالیت چهره‌های غیردینی نیز آگاهی داشتند. کوشش‌های پیگیر آنان و دیگر یاران امام در خراسان، از رواج اندیشه جدایی دین و سیاست که در این سال‌ها بسیار تبلیغ می‌شد و در رأس قرار گرفتن روحانیت و نیروهای مذهبی را دشوار می‌نمود، پیش‌گیری می‌کرد.

تجمع مردم در بیت آیت‌الله شیرازی ابتدا با اقامه نماز جماعت شکل گرفت؛ اما به تدریج با تشکیل جلسات و دعوت از گویندگان مبارز در فرصت‌های مناسب، به مرکز تبلیغی و پایگاه مبارزاتی ضد رژیم تبدیل شد و توجه طبقات مختلف مردم مشهد و زائران امام رضا (ع) را به خود جلب کرد. سرانجام با تلاش روحانیت مبارز و توده‌های مردم، جو سیاسی مشهد تغییر کرد و مسیر حرکت مردم خراسان به سوی انقلاب و دریافت پیام امام (ره) بازتر شد؛ تاجایی که بنیانگذار انقلاب در یکی از اعلامیه‌های خود، از مشهد به عنوان «شهر بیدار شده» تعبیر کردند.

۲۰. شماره ثبت ۶۰/۱۵۶.
۲۱. آفتاب شرق، ۱۳۵۱/۱/۱.
۲۲. آفتاب شرق، ۱۳۵۲/۶/۱۰.
۲۳. شماره ثبت ۱۳۸/۷۵.
۲۴. خراسان، ۱۳۵۲/۱/۲۶.
۲۵. آفتاب شرق، ۱۳۵۲/۱/۲۶.
۲۶. شماره ثبت ۱۴/۴۴۳.
۲۷. آفتاب شرق، ۱۳۴۷/۶/۲۷.
۲۸. شماره ثبت ۵۵/۱۲۲.
۲۹. شماره ثبت ۵۰/۱۲۲.
۳۰. آفتاب شرق، ۱۳۴۷/۶/۲۰.
۳۱. خراسان، ۱۳۵۲/۱۲/۲۵.
۳۲. آفتاب شرق، ۱۳۵۱/۱/۱۲.
۳۳. شماره ثبت ۱۳۵۱/۲/۲ و ۱۳۵۱/۳/۱۳.
۳۴. شماره ثبت ۱۳/۱۴۹.
۳۵. شماره ثبت ۲۰/۱۴۹.
۳۶. مرکز اسناد (شعبه خراسان)، بازبانی ۲۷۴/۲.
۳۷. شماره ثبت ۶/۲۲۷.